



گره‌گشایی خُرد از بازار فرش

بانوان تولیدکننده از بازار فرش های دست باف و ظرفیت‌های این کسب‌وکار می‌گویند

گزارش
روز

روزنامه نگار
نگار
جاوید

علاوه بر تولیدکنندگان و فروشندگان رسمی فرش، دوست داران فرش دیگری هم هستند که در شهر برای این صنعت بومی تلاش می کنند. امروز در روز جهانی فرش، پای صحبت های دوبانویی می نشینیم که به خاطر عشق به این هنر، بافندگی را آموختند اما سال هاست، هم با آن به درآمدزایی بانوان بی سرپرست و بدسرپرست کمک می کنند، هم به رونق بازار خرید و فروش فرش دست‌باف در استان.

اینجا قانون جور دیگری است. به جای اینکه دنبال بازار فروش باشند، مشتری آن ها را پیدا می کند. آنکه اهل نشستن پای دار است هم همین طور. تولیدکننده، بافنده و خریدار خودشان را به هم می‌رسانند، روی قالی دست‌باف، اگر چه قیمت‌ها زیاد است اما قالی‌های به اصطلاح دستی هنوز طرف داران خودش را دارد. برای برخی پیروی از مدروز به حساب می‌آید. آن‌ها که حاضرند برای فرش‌ی که خودشان طرح و نقشه‌اش را داده‌اند، ده‌ها میلیون تومان پول بدهند و چند ماه یا یک سال منتظر بمانند. انتظاری که می‌کشند از جنس صبر برای خلق یک اثر هنری است. همانی که با افتخار روی زمین یادپوار خانه‌شان بگذارند و از دیدنش کیف کنند.

علاوه بر تولیدکنندگان و فروشندگان رسمی فرش، دوست داران فرش دیگری هم هستند که در شهر برای این صنعت بومی تلاش می کنند. امروز در روز جهانی فرش، پای صحبت های دوبانویی می نشینیم که به خاطر عشق به این هنر، بافندگی را آموختند اما سال هاست، هم با آن به درآمدزایی بانوان بی سرپرست و بدسرپرست کمک می کنند، هم به رونق بازار خرید و فروش فرش دست‌باف در استان.

مشتری‌های وفادار زیادی دارم

عصمت ربیعی

آموزش بودند و بعد از آن کار. فکر کردم

چرا رهایشان کنم حالا که بافنده کنار دستم دارم؟ سفارش کار دادم. طرح‌هایی که خودم دوست داشتم یا وقتی قرار بود تابلو فرش‌ی را هدیه بدهم. چه بهتر از اینکه یک نفر کار می‌کرد و نان آور خانه هم می‌شد.

طراحی برای نقشه قالی را عاشقانه دوست

دارم. هنوز که هنوز است بعد از چند سال هربار که فرش‌ی تمام می‌شود، ساعت‌ها می‌نشینم نگاهش می‌کنم چون حالم با آن خوب می‌شود. فکر می‌کنم چه بود و چه شد؟ از آن سال‌ها که آموزش را شروع کردم تعداد زیادی را با این مهارت آشنا و وارد بازار کار کردم. مثلاً در مرکز رویش شهرداری که دو سال است در محله نوده فعالیت می‌کنم سالی دست‌کم سی تا چهل نفر آموزش می‌بینند. اما به طور متوسط حدود هفتاد بافنده زیرمجموعه



خودم دارم، نه فقط در مشهد بلکه

در شهرهای اطراف. شهرستان‌های تربت، نیشابور، قائن و روستای چکنه و کوشک آباد. هرکدام کار بخواهند ماشین می‌گیرم و برایشان وسیله می‌فرستم. با اینکه بازار خیلی راكد

است اما همیشه مشتری‌های خودم را دارم.

هنوز اگر نیروی کار باشد من سفارش دارم.

کمی پرداخت هزینه برای مشتری‌ها سخت است که آن هم به خاطر وضعیت اقتصادی همه مردم است و همه‌گیر.

اختلاف قیمت فرش‌ی که نیروی من ببافد تا فرش بازار، زیاد است. با اینکه مشتری من باید شش ماه تا یک سال منتظر بماند ولی می‌تواند رنگ، نقش و نوع بافت را مشخص کند و باز هم ممکن است تا ۴ میلیون زیر قیمت بازار برایش تمام شود. من مشتریانی دارم که نقشه اختصاصی خودشان را می‌آورند

مناسب‌سازی فرش برای خریدارها

آذر ظریف

خانم‌های نیازمند، بدسرپرست و بی‌سرپرست را هم به‌کار گرفتم تا زندگی‌شان بچرخد. یک شرکت هم ثبت‌کردم که براساس آن کار تهیه مواد اولیه و خدمات را انجام می‌دهیم. از شهر مشهد و حاشیه آن بافنده دارم

تا شادین، روستاهای درگز و سرخس. منتظم که هر خانی بتوانایی بافندگی فرش را جذب کنیم. اکنون بیست نفر بافنده دارم که مشغول به‌کار هستند.

مشتری‌نام هم عاشق فرش دست‌باف هستند. اصلاً این طور خرید کردن برایشان سود هم دارد. اول اینکه یکی دوتا واسطه از این میان کم می‌شود و قیمت تمام شده فرش پایین‌تر از بازار خواهد شد. از طرف دیگر اصل کار من این است که فرش را برای خریدارها مناسب‌سازی می‌کنم. یعنی میزان بودجه و نحوه پرداخت را می‌گویند و من



که می‌رود و نه تنها خودش دوباره برمی‌گردد، بلکه مشتری‌های دیگری هم می‌آورد. من خریداران زیادی دارم که فرش‌ی مخصوص به خانه خودشان را سفارش می‌دهند، در حالی‌که این امکان برای آن‌ها در مغازه‌ها یا ممکن نیست یا خیلی محدود است. من مشتریانی دارم که با نقشه‌های انحصاری خودشان از آلمان برایم سفارش کار می‌دهند و ما برایشان می‌بافیم. به هر حال مسئله این است که فرش دست‌باف مشتری‌های خودش را دارد اما بافنده خیلی کم است.

چینی و پاکستانی گرفته است. فرش‌هایی که روزی حتی در آوازه هویتی فرش، به‌گرد پای ما هم نمی‌رسیدند. اما چه باید کرد؟ تولید فرش دست‌باف زمستان و تابستان نمی‌شناسد. کار روی این صنعت در حقیقت تولید و کارآفرینی به همراه دارد که متأسفانه آن‌طور که باید و شاید به آن توجه نشده و نمی‌شود، بنابراین مدیران ما باید سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و برندسازی به ویژه در حوزه فرش را روی موضوع صادرات فرش دست‌باف قرار دهند تا این صنعت بزرگ جایگاه اصلی و ویژه خود را پیدا کند. همه ما باید بدانیم تا صادرات



محمدرضا بنی‌اسدی
تولیدکننده فرش دست‌باف

پنجاه سال قبل ارزش صادرات فرش به اندازه صادرات نفت بود و مهم‌ترین خریداران فرش دست‌باف ما کشورهای اروپایی و عربی بودند اما رفته رفته همین فرش با این همه هویت، جایگاه اصلی خود را از دست داد و مشکلات متعددی در زمینه صادرات به وجود آمد و همه این موانع باعث شد تا امروز، ما کمترین صادرات را در حوزه فرش داشته باشیم.

نتیجه هم این شد که تمام دنیا کم‌کم جایگاه فرش ایران را فراموش کردند و جای جولان فرش ما در بازارهای جهانی را فرش‌های ماشینی، چینی و حتی فرش‌های دست‌باف هندی،

متأسفانه این روزها حال فرش دست‌باف مشهد خوب نیست. فرش دست‌باف که در حقیقت شناسنامه هویتی خطه خراسان و ایران است، این روزها به فراموشی سپرده شده و جایگاه و ارزش واقعی خود را در صادرات و معرفی به جهان از دست داده است. این فرش ماست که آمیخته به تمدن ماست. دلیل این ادعا هم اینجاست که فرش تمام ابریشم زرنکار، نخستین فرش به دست آمده از دوره ساسانیان در ایران بوده که امروز بخش‌های مختلف آن در تمام موزه‌های دنیا در کنار آثار باستانی ایران به چشم می‌خورد. باید دانست که فرش دست‌باف ایران وابسته مشهد ارزش بی‌ظفیری دارد. حدود

یادداشت

دیدگاه

با میراث شهدا چه می‌کنیم؟!

شهادت در باور من همیشه حالت فوق‌العاده دارد. شهید شخصیتی ویژه است که هرگز عادی نمی‌شود. فکر می‌کنم برای ارتقای سلامت در جامعه این فوق‌العادگی باید همیشه حفظ شود. به همین دلیل است تا نام شهدا به میان می‌آید، همه حروف به احترام آن‌ها خبردار می‌ایستند تا از شهید بنویسند. کلمات چندباره تجدید وضو می‌کنند تا وقتی کنار هم ایستادند، بتوانند تصویری از شهید ارائه کنند که با واقعیت زیستی و حقیقت معرفتی هم‌خوان باشد. هم قلم قسم می‌خورد بر صداقت روایت و هم صفحه‌گیبورد صادقانه

می‌کوشد حق مطلب را ادا کند. در این میان، منم که کم می‌آورم. ابر و باد و مه و خورشید و فلک به احترام شهید محور تبیین تشکیل می‌دهند، من اما گرفتار کوچکی‌های خویشم و بزرگی هیبت برخی‌ها که اگر شهید را روایت کنم با رفتار آنان، تضادی آشکار خواهد داشت. اما می‌نویسم با اقتداری مستظهر به شهدا و خدای شهدا. می‌نویسم از «شهید سیفا... شیعه‌زاده» که به جز خدا کسی را نداشت. کسی به انتظارش لحظه‌ها را نمی‌شمرد. تنها شهید بهزیستی استان مازندران که با یک زیرپیراهن راهی جبهه شد و هیچ‌کس در جبهه نفهمید که او خانواده‌ای ندارد. می‌نویسند: کم سخن می‌گفت و با سن کم بی‌سیمچی شد تا امین رمزوراز عملیات باشد. سرانجام در سال ۱۳۶۴ در هفده سالگی توسط گروهک کوموله اسیر شد. برگه و کدهای عملیات را قبل از اسارت خورد و ضدانقلاب پس از به‌شهادت‌رساندن وی، برای به‌دست‌آوردن رمز و کدهای بی‌سیم، سینه و شکمش را شکافتند، ولی چیزی نصیب آن‌ها نشد. می‌نویسم تا آنانی که در عناوین مختلف و جایگاه‌های گوناگون، در غفلت، زبان گویای اسرار می‌شوند، یاد بگیرند امانت‌داری را. می‌نویسم تا کسانی که اسرار این مملکت را برای دشمن «کادو» را، یاد بگیریم همه‌مان امانت‌داری را. او کلمات رمز در دستانش امانت بود و به جان، آن را نگه داشت. چگونه وجدان خود را رازی می‌کنند کسانی که امانت بیت‌المال را به مال‌البیت تبدیل می‌کنند و سرولک‌شان درکانادا پیدا می‌شود! می‌نویسم تا بگویم بعد از شهدا برای برخی‌ها ارزش‌ها تغییر کرده است تا جایی‌که بعضی عوضی‌ها احساس ارزش می‌کنند و از عالم و آدم طلبکار می‌شوند. می‌نویسم تا به یاد بیایم همه‌مان را که باید به تنظیمات کارخانه انقلاب برگشت. انقلاب را، ایران را، مردم را و جامعه را به همان شیوه‌ای می‌شود حفظ کرد که به دست آوردیم؛ به پاکی و اخلاص و ایثار، به سبکی که شهید شیعه‌زاده تعلیم‌مان کرد. راه رستگاری همین است. برای موفقیت و سربلندی ملک و ملت باید به این سبک، زیستن را تجربه کرد، وگرنه آنچه به دست می‌آوریم، به جز هیچ معنای دیگری نخواهد داشت. ما نظام را، انقلاب را، استقلال ملی و عظمت ایرانی را از شهدا به ارث بردیم. باید برای حراست از این میراث به همان سبکی قدم برداریم و قلم‌زنیم که شهدا معلم آن شدند. من به جز راه شهدا راه دیگری برای سربلندی نمی‌شناسم.

روی خط
جامعه

سامان دهی مدارس کانکسی از مهر

ایرنا| رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور با تأکید بر سامان دهی مدارس کانکسی از مهر، گفت: ۱۵ هزار سرویس بهداشتی مدارس در طرح شهید عجمیان در دست بهسازی و تعمیر جزئی است که با تأمین منابع انجام می‌شود. حمیدرضا خان محمدی با اشاره به سامان دهی مدارس کانکسی با مشارکت برنامه ستاد اجرایی فرمان امام (ع)، بنیاد برکت و مشارکت خیران افزود: اکنون منابع این‌کار تأمین شده و اراده بر این است که سامان دهی این مدارس با قدرت پیش رود. او درباره آخرین وضعیت سرویس‌های بهداشتی مدارس نیز اظهار کرد: در موضوع سرویس‌های بهداشتی مدارس، یکی بحث ساخت در مکان‌های بدون سرویس است که تاکنون بیش از ۳ هزار و ۴۰۰ سرویس بهداشتی ساخته شده است. همچنین حدود ۴ هزار سرویس بهداشتی در دست ساخت داریم.

تهدید فرونشست برای آثار تاریخی

مهر| رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی با بیان اینکه شکایت از برنج‌کاری در روستاهای تخت جمشید به نتیجه نرسید گفت: مشکل این روزهای فرونشست آثار تاریخی حل نمی‌شود، مگر اینکه منابع آبی منطقه مدیریت شود. مصطفی ده پهلوان بیان کرد: چیزی که تخت جمشید و نقش رستم و خیلی از آثار میراثی ایران و کشورهای دیگر را تهدید کرده فرونشست است که به دلیل تغییر اقلیم و برداشت بی‌رویه از سفره‌های زیرزمینی به وجود آمده است. عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات راه مسکن و شهرسازی نیز تصریح کرد: پدیده‌ای که بر اثر فرونشست زمین، سازه و آثار تاریخی ارزشمند را تهدید می‌کند، این است که در داخل شکاف‌های فرونشستی، آب‌های حاصل از نزولات جوی یا آبیاری‌های سطحی، نفوذ می‌کند و به مرور فرسایشی را ایجاد می‌کند که فرسایش تونلی نامیده می‌شوند. این تونل‌ها در اثر آب شکستگی‌های زیرسطحی، وسیع‌تر می‌شوند و به مرور زمان در اثر ریزش سقف‌این تونل‌های زیرسطحی، فروریزش‌های سانحه‌زا و خسارت‌بار رخ می‌دهد. علی بیت‌اللهی افزود: یکی از مواردی که می‌شود جلو فیشرها و فرونشست را گرفت، اقدامات و تمهیداتی است که با استفاده از مواد و متریال طبیعی مثل خاکسترهای آتش‌فشان‌ی می‌توان جلو گسترش فرسایش تونلی و احتمالاً فروریزش ناگهانی را گرفت. در برخی از کشورها این‌کار انجام شده است.

عدد
خبر

۱۱
زائر

ایستنا| رئیس جمعیت هلال احمر از ارائه خدمات درمانی به بیش از ۱۱ هزار نفر از حجاج کشورمان در عربستان خبر داد و گفت: تاکنون یازده ایرانی در عربستان فوت کرده‌اند. پیرحسین کولیوند خاطرنشان کرد: ۲۶ زائر بستری در بیمارستان‌های عربستان داریم اما به طور کلی، وضعیت سلامت زائران ایرانی در حج، خوب و مناسب است.

۴۲۰۰۰
زندانی

تسним| رئیس سازمان زندان‌ها گفت: در حال حاضر ۴۲ هزار زندانی شاغل داریم که در مقیاس زندانیان واجد شرایط کار، عدد مناسبی نیست هرچند بارشد اشتغال روبه‌رو شده‌ایم. غلامعلی محمدی بیان کرد: برای رشد جهشی اشتغال، ناگزیریم به سمت توسعه اشتغال صنعتی محور حرکت کنیم تا هم زندانیان بیشتری را به خدمت بگیریم و هم دستمزد بیشتری به زندانیان شاغل بدهیم که این موضوع پایداری اشتغال زندانیان را هم در پی خواهد داشت.

شهر

۴شنبه
۳۰ خرداد ۱۴۰۳
۱۳ دی‌ماه ۱۴۴۵
شماره: ۳۳۳۳

۱۳



زائر

عکس: عیلام‌سنگانی شهرآرا